

•
مولانا ابوالکلام آزاد

•
کورش
یا ذوالقرنین قرآن و تورات

•
ترجمہ و تعلیقات:

مسلم زمانی و علی اصغر قہستانی و نبیل



نشرنی

سرشناسه: آزاد، ابوالکلام، ۱۸۸۸-۱۹۵۸ م. Azad, Abulkalam. ● عنوان و پدیدآور: کوروش یا ذوالقرنین قرآن و تورات / ابوالکلام آزاد؛ ترجمه و تعلیقات مسلم زمانی، علی اصغر قهرمانی مقبل؛ ویراستار علمی حمیدرضا پیغمبری. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷. ● نسوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۸. ● مشخصات ظاهری: ۲۳۵ ص. ● شابک: 978-964-185-622-1 ● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● یادداشت: مترجم بخش هایی را به کتاب افزوده است. ● یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله ای تحت عنوان «شخصیه ذی القرنین» المذکور فی القرآن؛ اثر ابوالکلام آزاد است که در مجله ثقافت‌الهند در سال ۱۹۵۰ منتشر شده است. ● یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان «کوروش کبیر (ذوالقرنین)» به چاپ رسیده است؛ کتابنامه به صورت زیر نویس. ● عنوان دیگر: کوروش کبیر (ذوالقرنین). ● موضوع: کوروش هخامنشی، شاه ایران. - ۵۲۹ ق.م؛ ذوالقرنین (شخصیت قرآنی) Dhu al-Qarnayin in the Qur'an ● شناسه افزوده: زمانی، مسلم، مترجم؛ قهرمانی مقبل، علی اصغر، ۱۳۵۰-، مترجم، پیغمبری، حمیدرضا، ۱۳۵۹-، ویراستار. ● رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱۳۹ ک BP۸۸/۵۵/۱۴ ● رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۶ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۷۳۵۵۶

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان



کوروش یا ذوالقرنین قرآن و تورات مولانا ابوالکلام آزاد

ترجمه و تعلیقات: مسلم زمانی (عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس)
علی اصغر قهرمانی مقبل (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

ویراستار: نسرين خسروی، مونا سیف

صفحه‌آرایی: الهه خلیج‌زاده

نمایه‌ساز: بهنام رمضانی نژاد

چاپ و صحافی: پردیس دانش

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۸، ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۵-۶۲۲-۱

نشانی: تهران، خیابان دکتر قاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مترجمان
	یادداشت سعید نفیسی
۳۳	به عنوان پیشگفتار چاپ اول ترجمه مرحوم باستانی بایری
۳۵	پیشگفتار مؤلف
۳۷	فصل اول: [ذوالقرنین در قرآن]
۳۹	شان نزول آیات و برخی روایات در این باره
۳۹	ویژگی های ذوالقرنین در قرآن
۴۱	سرگردانی و سردرگمی مفسران
۴۵	فصل دوم: تاریخ قوم یهود و باور آن ها به ذوالقرنین
۴۵	سفر دانیال و رؤیای او
۴۸	پیشگویی های اِشعیا و ارمیا
۵۰	نقد تاریخی عهد عتیق و زمان نگارش اسفار اِشعیا، ارمیا و دانیال
۵۳	پندار یهودیان در باب منجی موعود
۵۴	اِشعیا ی دوم و دعوت از کورش برای فتح بابل

- ۵۵..... پیشگویی های یهود و کورش شاهنشاه
- ۵۷..... پیوندهای یهودیان با زردشتیان
- ۵۸..... باور دینی و قومی یهود درباره کورش
- ۵۹..... دستیابی به مجسمه کورش
- ۶۴..... مجسم کردن کورش به صورت دوشاخ و روایت اسفار مقدس یهود

- ۶۷..... فصل سوم: خاندان ایرانی هخامنشی و کورش
- ۶۷..... دو، نمای سه گانه تاریخ ایران [باستان]
- ۷۱..... شرح حال کورش در منابع تاریخی
- ۷۲..... پارس و ده سال ۵۶۰ ق.م
- ۷۳..... هخامنشیان و ظهور کورش
- ۷۴..... لشکرکشی نخستین و فتح میدی
- ۷۶..... لشکرکشی دوم کورش
- ۷۶..... فتح بابل
- ۷۸..... پایان یافتن اسارت یهود و...
- ۸۰..... لشکرکشی سوم کورش
- ۸۱..... درگذشت کورش
- ۸۲..... نیاکان و جانشینان کورش
- ۸۳..... لشکرکشی داریوش به بابل و سقوط شهر

- ۸۷..... فصل چهارم: ذوالقرنین یادشده در قرآن و کورش
- ۸۷..... ﴿إِنَّا مَكْنُأُهُ فِي الْأَرْضِ﴾
- ۸۹..... ﴿وَأَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيًّا﴾
- ۸۹..... اقدام نخست: حرکت به سمت غرب
- ۹۲..... اقدام دوم: حرکت به سمت شرق
- ۹۲..... قبایل کوچ نشین شرق
- ۹۳..... اقدام سوم: لشکرکشی به شمال و ساختن سد یا جوج و ما جوج

۹۴.....	ویژگی‌های پسندیده و اخلاقی ذوالقرنین
۹۸.....	منش کورش
۱۰۰.....	ظهور کورش
۱۰۱.....	اعتراف تاریخ‌نگاران معاصر

فصل پنجم: باورهای ذوالقرنین یادشده در قرآن و کورش

۱۰۳.....	مزدیسنا یا دین زردشت
۱۰۸.....	دین و پارس، پیش از ظهور زردشت
۱۱۰.....	مزدیسنا
۱۱۲.....	زردشت و دگانه‌پرسی
۱۱۳.....	روح اخلاقی کیش زردشت
۱۱۴.....	کتیبه‌های داریوش
۱۱۵.....	دعوت به راه راست
۱۱۵.....	واماندن کیش زردشتی و تحریف آن
۱۱۶.....	اسلام و پیروان زردشت

فصل ششم: سد یاجوج و مأجوج

۱۲۰.....	یاجوج و مأجوج
۱۲۱.....	قبایل مغول و یوننه‌چی
۱۲۲.....	مغولستان، گهواره مردمان کهن
۱۲۳.....	ادوار هفتگانه خروج یاجوج و مأجوج
۱۲۵.....	قبایل یاجوج و مأجوج از چه راهی حمله‌ور می‌شدند؟
۱۲۵.....	پیشگویی جز قبایل و یاجوج و مأجوج
۱۲۷.....	سد یاجوج و مأجوج
۱۲۹.....	دیوار سنگی دربند و باب الأبواب
۱۳۱.....	سازنده دیوار دربند
۱۳۲.....	نسبت دادن ساخت دیوار به اسکندر

حل مشکل	۱۳۴
اهمیت دربند قفقاز در جریان‌های سیاسی سده ششم میلادی	۱۳۶
تعلیقات	۱۳۹
پیوست‌ها	۱۸۵
پیوست ۱: دلالت‌های معنایی «قرن» در زبان عربی و عبری	۱۸۷
پیوست ۲: توصیف تنگه داریال در سفرنامه ارنست اوزسول	۲۱۱
منابع و راجع سده و تعلیقات	۲۲۵
نمایه	۲۲۹

مقدمه مترجمان

جای شگفتی است که یک نظریه تاریخی جدید ظرف چند دهه چنان فراگیر شود که جای نظریه‌ای را بگیرد که قرن‌ها محکم باور عمومی بوده است.

این باور که اسکندر مقدونی همان ذوالقرنین مذکور در قرآن کریم است، اگرچه با اماواگرهای جدی روبه‌رو بوده است، در اغلب آثار تاریخی و دینی، چه به زبان فارسی و چه به زبان عربی، امری مسلم تلقی شده است.

با انتشار آرای اندیشمند بزرگ هندی مولانا ابوالکلام آزاد در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹ خ) مبنی بر این که کورش کبیر مصداق تاریخی ذوالقرنین است، ناگهان این نظریه جدید کانون توجه پژوهشگران به‌ویژه ایرانیان شد. در این میان، نماند هوشیاری استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی را نادیده گرفت که به اهمیت موضوع پی برد و در سال ۱۳۳۰ خ در کوتاه‌ترین زمان به ترجمه مقالات ابوالکلام اقدام کرد. ترجمه ایشان، با این که ترجمه‌ای شتابزده بود و بعداً نیاز به بازبینی پیدا کرد و برخی از ایرادهای چاپ نخست برطرف شد، اما در همان زمان که از چاپ درآمد به‌دلیل تازگی موضوع سخت مورد اقبال جامعه ایرانی قرار گرفت، به‌طوری که از آن زمان تا کنون مبنای پژوهش‌های دیگری (به‌صورت کتاب و مقاله) قرار گرفت که اغلب

آن‌ها در تأیید و تکمیل نظریه مولانا ابوالکلام آزاد است؛ هرچند هیچ‌یک از این آثار به مرتبه پژوهش ابوالکلام نمی‌رسد. در ضمن تعداد معدودی هم این نظریه را نپذیرفتند.^۱

در این جا برای علاقه‌مندان که خواهان مطالعه بیشتر در این باره‌اند چند مورد از این آثار معرفی می‌شود:

کتاب‌ها

— توانگر (ز. ه.)، محمد کاظم، تأکیدی بر یگانگی شخصیت ذی‌القرنین و کوروش، چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۷.

— بدره‌ای، فریدون، کوروش کبیر در قرآن مجید و عهد عتیق، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۹.

— عرفان‌منش، جلیل، کوروش و زیایی هویت ملی: تحقیقی علمی درباره پیشینه و کیستی ذوالقرنین، با مقدمه علی‌اکبر ولایتی، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۹.

— همایش «کوروش و ذوالقرنین» در ششم خرداد ۱۳۸۰ از سوی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد و استادان بزرگی همچون محسن فاضل‌لله مجتبیایی مقاله‌هایی را به مناسبت آن ارائه دادند. مجموعه این مقالات در کتابی با عنوان کوروش و ذوالقرنین در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید.

مقالات

— باستانی‌پاریزی، محمد ابراهیم، «کوروش در روایات ایرانی»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱۱، دی‌ماه ۱۳۴۶، صص ۱۶۳-۱۹۴.

۱. رک: سید حسن صفوی، اسکندر و ادبیات ایران و شخصیت مذهبی اسکندر، صص ۲۸۶-۳۲۹.

— یزدانپرست، حمید، «ذوالقرنین یا کوروش در متون مذهبی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره‌های ۲۴۱-۲۴۲، مهر و آبان ۱۳۸۶، صص ۷۰-۸۹، و شماره‌های ۲۴۳-۲۴۴، آذر و دی ۱۳۸۶، صص ۱۲۲-۱۴۹.

نگاهی به زندگی و اندیشه ابوالکلام آزاد^۱

مولانا ابوالکلام محیی‌الدین احمد، مشهور به ابوالکلام آزاد، دانشمند، محقق، سیاست‌مدار، خطیب، روزنامه‌نگار، مفسر قرآن، و هم‌رزم مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو در مبارزات استقلال‌طلبانه ملی هند و نخستین وزیر آموزش و پرورش هندوستان پس از استقلال است.

ابوالکلام احمد در ۱۸۸۸ (۱۲۶۷ خ) در مکه مکرمه دیده به جهان گشود. نیاکان او از مردم هرات بودند که در زمان ظهیرالدین بابر، پایه‌گذار حکومت مغولان در هند، به آن دیار مهاجرت کردند. در شهر آگره ساکن شدند. پدر او مولانا خیرالدین، مانند اسلاف خود، عالم و اهل بیت و عارفی آزاده بود و در گجرات، بمبئی و اطراف کلکته مریدان فراوانی داشت. در حوادث سال ۱۸۵۷ (۱۲۳۶ خ) که سپاه انگلیس، بر اثر شورش سربازان هند، در دهلی، دست به قتل عام زد، مولانا خیرالدین از هند خارج شد و راه مکه را پیش گرفت و در آنجا با دینار شیخ و تری، یکی از علمای بنام مکه، ازدواج کرد و ابوالکلام از ثمره‌های این ازدواج است. ابوالکلام احمد در ده‌سالگی، یعنی در سال ۱۸۹۸، همراه پدرش به کلکته

۱. در تألیف این بخش از منابع زیر بهره فراوان برده‌ایم، به‌طوری‌که عمده مطالب این قسمت نقل قول مستقیم از این منابع است:

هادی عالم‌زاده، «آزاد، ابوالکلام»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، صص ۳۰۶-۳۱۵.

محمدانور محمدی، «آراء و اندیشه‌های ابوالکلام آزاد»، سخن تاریخ، بهار ۱۳۸۷، شماره ۲، صص ۸۲-۱۰۰.

بازگشت. خیرالدین، که عالمی پای‌بند به آیین و سنت قدیم، محافظه‌کار و از دوره جوانی مخالف سلطه اروپاییان و فرهنگ و آموزش و پرورش آنان بود، عقیده داشت که فرهنگ جدید ایمان مذهبی را از میان می‌برد. او به دیگر مدارس نیز مانند مدرسه کلکته خوش‌بین نبود؛ بنابراین، ابوالکلام مطابق سنت آموزشی مسلمانان هند در خانه تعلیم دید.

در ابوالکلام نخست تعلیم مقدماتی وی را به عهده گرفت. سپس گروهی از معلمان برگزیده علوم مختلف را به خانه فراخواند تا به او درس‌هایی را که در مدارس اسلامی هند آموزش داده می‌شد (درس نظامیه) تعلیم دهند؛ فارسی، عربی، حساب، هندسه، فلسفه و یک دوره تعلیمات دینی از جمله آن دروس بود. ابوالکلام در سال ۱۹۰۰ آموزش رسمی را به پایان برد و دوره درس نظامیه را که معمولاً طلاب بین بیست تا بیست و پنج سالگی به پایان می‌برند در آغاز شانزده سالگی به پایان رساند. پس از آن برای تکمیل عدم علاقه به مطالعه کتاب قانون ابوعلی سینا در طب پرداخت. چندی بعد، بنا بر سنت خانوادگی، به تدریس کتاب‌های مطلق و هدایه و جز آن مشغول شد، و عنوان مولانا را، که تقریباً معادل آخوند و روحانی در ایران است، به دست آورد.

مولانا محیی‌الدین آزاد ضمن تدریس، با نوشته‌ها و انالیزه‌های سر سید احمدخان (۱۸۱۷-۱۸۹۸)، پایه‌گذار کالج علیگر، آشنا شد. نوشته‌های سید احمدخان درباره فرهنگ نوین در او بسیار مؤثر افتاد و دریافت که فلسفه، علوم و ادبیات دین را نیز باید بیاموزد. بدین منظور، بدون معلم و پنهان از پدر به آموختن زبان انگلیسی پرداخت و به‌زودی توانست کتاب‌های فلسفه، تاریخ، علوم و ادبیات را به این زبان بخواند و با فرهنگ نوین آشنا شود. خود او می‌گوید: دریافتم که هیچ‌کس تا فلسفه، علوم و ادبیات جدید را نیاموخته باشد در جهان امروز به معنی حقیقی دانشمند نیست. استعداد، آموزش و تلاش‌های علمی و ادبی و فرهنگی محیی‌الدین بیست‌ساله از

او دانشمندی ساخت که، به گفته نهر، آمیزه‌ای شگفت‌انگیز از پژوهشگران قرون وسطی و حکمای قرن هجدهم میلادی و نظریه‌های نوین بود.^۱

تحول روحی

سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ دوره بحران روحی محیی‌الدین بود. دانش‌ها و آموخته‌های تازه او با آنچه از مدرسان سنتی خویش آموخته بود پیوندی نداشت. مشاهده اختلاف میان ایمان مختلف، خاصه میان فرقه‌های متعدد اسلامی، به این بحران روحی دامن می‌زد. نا آن‌جا که درباره دین به طور کلی دچار تردید شد و بر سر دوراهی کفر و ایمان قرار گرفت. رانجا، پس از دو سه سال درگیری با این تشنگی فکری، با تکیه بر خرد خویش، راهی ربه را می‌یافت، چنان‌که خود می‌گوید: به جایی رسیدم که زنجیرهای عادات و رسوم قدیمی که بر دست و پای من بسته بود گسسته شد و از آن زنجیرها آزاد گشتم و بر این شدم که راه خود را بیابم. در این فترت بود که تخلص «آزاد» را به سان نمادی برای خرد برزیده تا دیگر پای‌بند به باورهای کهن موروثی نباشم.

سفرها

محیی‌الدین ابوالکلام آزاد در بیست‌سالگی، برای دستیابی به کرانه‌های گسترده‌تر آگاهی و فرهنگ، رهسپار سرزمین‌های اسلامی مانند عرب، مصر، شام و ترکیه شد. نخست به عراق رفت و در آن‌جا با چند تن از انقلابیون ایران دیدار کرد. وی سه سال پس از وفات مصلح بزرگ مصر، شیخ محمد عبده (درگذشته به سال ۱۹۰۵) و همزمان با درگذشت مصطفی کامل (درگذشته به سال ۱۹۰۸)، بنیان‌گذار هفته‌نامه العالم الاسلامی و مؤسس «الحزب الوطنی»، به مصر رسید و شور و هیجان شدید

۱. جواهر لعل نهر، کشف هند، ص ۵۷۶. به نقل از: هادی عالم‌زاده، «آزاد، ابوالکلام»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۰۷.

ملی را در مرگ وی مشاهده کرد. آزاد در قاهره از الأزهر هم دیدن کرد. او نظام آموزشی آن جا را چنین توصیف می‌کند: «نظام آموزشی الأزهر به قدری ناقص است که نه فکر را تربیت می‌کند و نه اطلاعات کافی از علوم قدیمی اسلامی و فلسفی را در دسترس قرار می‌دهد». او از مصر به ترکیه رفت و در آن جا با برخی از رهبران نهضت «ترکیه نوین» و «جمعیت اتحاد و ترقی»، که در برابر استبداد سلطان عبدالحمید (۱۸۷۶-۱۹۰۹) خواستار مشروطه بودند، تماس برقرار کرد. سپس رهسپار فرانسه شد، حزم سفر به لندن را داشت که با شنیدن خبر بیماری پدرش ناگزیر به هند برگشت. پدر او در سال ۱۹۰۹ وفات کرد.

آزاد سال‌ها بعد، یعنی هنگامی که هند به استقلال رسید و او وزیر فرهنگ شد، در پانزدهم تیرماه ۱۳۰۰ به ایران سفر کرد. در این سفر که نزدیک به ده روز طول کشید با نخست‌وزیر وقت ایران، دکتر محمد مصدق، و نیز با آیت‌الله کاشانی دیدار کرد. دانشگاه تهران به پاس خدمات فرهنگی و علمی و تلاش‌هایی که او برای شناساندن ادب و فرهنگ ایران در هندوستان کرده بود، به وی درجه دکتری افتخاری در رشته زبان و ادبیات فارسی اعطا کرد. آزاد در پایان این سفر در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت جست و از نهضت ملی کردن نفت ایران، عنوان مظهر بیداری ملل آسیا یاد کرد.^۱ ماجرای ترجمه کتاب کوروش کبیر (ذوالقرنین) به همین سفر باز می‌گردد که استاد باستانی پاریزی در مقدمه ترجمه‌اش به تفصیل اشاره‌ای سخن می‌گوید.^۲

فعالیت‌های سیاسی

آزاد از هفده سالگی وارد مبارزات سیاسی می‌شود و هرچه می‌گذرد انریش در عرصه سیاست هند بیشتر می‌شود. او پیش از استقلال هند در مقام مصلحی انقلابی و پس از استقلال به‌عنوان یکی از دلسوزان هند مستقل و چهره‌ای فرهنگی شناخته می‌شود.

۱. روزنامه کیهان، ۲۵ تیر ۱۳۳۰، شماره ۲۴۶۸.

۲. رک: باستانی پاریزی، کوروش کبیر (ذوالقرنین)، مقدمه، صص ۶-۱۲.

رسیدن به استقلال و حفظ وحدت هند دغدغه اساسی آزاد در عرصه سیاست بود. او که مسلمانی مبارز بود، همواره خواستار وحدت میان هندوها و مسلمانان هندوستان بود، به طوری که با تجزیه هندوستان و ایجاد کشور پاکستان سخت مخالف بود و آن را برای هندوستان و به ویژه برای مسلمانان هند زیان آور می دانست.

آزاد در دوره ای که برای استقلال هند مبارزه می کرد بارها تبعید شد و به زندان افتاد. آثاری از آثار او محصول همین دوره های حبس و تبعید اوست.

آزاد بی شک یکی از مهم ترین و سرشناس ترین هم‌زمان گاندی برای دستیابی به استقلال و وحدت هند بوده است. هنگامی که گاندی برنامه جنبش «عدم همکاری» را اعلام کرد آزاد اساس پیشینه مبارزاتی اش، برخلاف دیگران، آن را تأیید کرد؛ زیرا آنچه را که گاندی مطرح می کرد، او در سال ۱۹۱۴ در یکی از سرمقاله های الهلال پیشنهاد کرده بود. پس از خروج از زندان، در سپتامبر ۱۹۲۰، دوره مخصوص اجلاس حزب کنگره در کلکته آغاز شد. تا درباره آماده کردن مردم برای اجرای طرح گاندی تصمیم گرفته شود. پس از این اجلاس ابوالکلام در اغلب سفرهای گاندی او را همراهی کرد. آزاد در کنفرانس علمای سراسر هند، که در نوامبر ۱۹۲۱ تشکیل شد و خود او ریاست آن را بر عهده داشت، پس از سخنرانی تحریک آمیزش بازداشت و به یک سال زندان محکوم شد. او در دفاعیات خود که بعداً با عنوان قول فیصل به چاپ رسید، چنین گفت: سخت معتقدم که آزادی حق مسلم هر ملت و هر فرد است و هیچ انسان یا دیوان سالاری ساخته دست او حق ندارد آفریدگان خدا را در بندگی نگاه دارد. از این رو، من دولت فعلی را برحق و مشروع نمی شناسم و وظیفه ملی، دینی و انسانی خود می دانم که ملت و کشورم را از بندگی برهانم.

با تصمیم مجلس کبیر ملی ترکیه در نوامبر ۱۹۲۲ مبنی بر جداسازی سلطنت از خلافت و تأسیس جمهوری و انحلال سلطنت، رفته رفته جنبش خلافت، که ابوالکلام آزاد تا آن زمان یکی از حامیان سرسخت آن بود، در جهان اسلام فروکش کرد و بیشتر مسلمانان هند، از جمله ابوالکلام آزاد، کوشش های خود را به مسائل

ملی و محلی معطوف کردند؛ چنان‌که می‌توان گفت تلاش‌های سیاسی ابوالکلام از آن پس، از گستره پان‌اسلامیسم به حوزه ناسیونالیسم محدود شد. او تا پایان عمر، ناسیونالیستی پرشور و پیشرو در کنگره ملی و صحنه سیاسی هند باقی ماند.

هرچند آزاد در سی و پنج سالگی (۱۹۲۳) به افتخارِ بزرگ ریاست کنگره ملی هند دست یافت ولی حضور او در این منصب پس از استقلال هند بود که تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشت و هند را وام‌دار خود کرد. یعنی زمانی که مردم این کشور پس از سال‌ها مبارزه به رهبری گاندی و آزاد، علی‌رغم دله‌ها و نگرانی‌ها، خود را آماده پذیرش طبع استقلال می‌کردند. در این دوره (۱۹۳۹-۱۹۴۶) آزاد در مقام رئیس کنگره ملی می‌داشت قانون اساسی هندوستان را تدوین می‌کرد و به تصویب اعضای کنگره می‌رساند.

آزاد در آوریل ۱۹۴۶ طرحی برای قانون اساسی کشور بر مبنای فدرالیسم پیشنهاد کرد. در این طرح، که حتمیت آن را پذیرفت، جز مسئولیت‌هایی محدود، مانند مسئولیت‌های مربوط به امور داخلی، روابط خارجی و ارتباطات، که بر عهده دولت مرکزی نهاده شده بود، باقی مسئولیت‌ها بر عهده دولت‌های ایالتی بود و ایالات خودمختار بودند. به عقیده آزاد، چنین قانون اساسی‌ای می‌توانست ضمن تأمین خودمختاری کامل ایالاتی که مسلمانان در آن - اکبر، داشتند، وحدت کشور را حفظ کند و بیم مسلمانان را از سلطه هندوان بر طرف سازد. گاندی از این‌که آزاد توانسته بود راهی برای گشودن این گره سیاسی بیابد او را تأیید می‌کرد.

در سال ۱۹۴۶ در دولت جدید و موقت هندوستان که جواهر لعل نهرو مأمور تشکیل کابینه شد، ابوالکلام با اصرار گاندی و نهرو پست وزارت آموزش و پرورش را پذیرفت و تا پایان عمر در این مقام باقی بود. در این دوران او منشأ خدمات فرهنگی بسیار شد که تأسیس چند فرهنگستان و کمیسیون و شورای امور فرهنگی از مهم‌ترین آن‌ها بود.

مولانا محیی‌الدین ابوالکلام آزاد، پس از هفتاد سال زندگی پرشور، بیست و دوم

فوریه ۱۹۵۸ (سوم اسفندماه ۱۳۳۶) در دهلی درگذشت. آرامگاه ساده و زیبایش در دهلی کهنه، نزدیک مسجد جامع و دژ سرخ واقع است. دولت هند برای گرامی داشت خاطره او هر سال در روز مرگش مراسم یادبودی برگزار می‌کند که در آن یکی از شخصیت‌های ممتاز هند یا یک شخصیت معتبر جهانی سخنرانی می‌کند.

آثار مولانا آزاد

جان شگفتی است که آزاد با آن همه مشغله سیاسی و اجتماعی، تألیفات بسیاری هم برجای گذاشت. او ازممانی که قلم به دست گرفت و نوشتن را آغاز کرد هیچ‌گاه دست از کار کشا و آثار متعددی از او باقی ماند. برخی از این آثار به صورت مقاله در نشریه‌هایی منتشر شد که اغلب آن‌ها را خود او اداره می‌کرد و برخی دیگر نیز به صورت کتاب به چاپ رسید.

آزاد بر سه زبان اردو، فارسی و عربی تسلط بود که می‌توانست اندیشه‌های خود را به هریک از این زبان‌ها بیان کند. بسیاری از آثار خود را به زبان اردو، زبان محل زندگی‌اش، تألیف کرد.

برخی از آثار وی عبارت‌اند از:

۱. مسئله خلافت
۲. تذکره
۳. تحریم بابایکوت
۴. دعوت به عمل
۵. اتحاد اسلامی
۶. مضامین تازه
۷. قول فیصل (دفاعیات او در دادگاه)
۸. قطعیات آزاد
۹. مضامین ابوالکلام آزاد (دو جلد)
۱۰. نقش آزاد (مجموعه نامه)
۱۱. شهید اعظم و اسوه امام حسین
۱۲. تشریحات آزاد
۱۳. هند آزادی گرفت
۱۴. صدای حق
۱۵. عزیمت و دعوت
- سال ۱۹۲۳

- | | |
|----------------------|---|
| ۱۶. مسئله مسیحیت | ۲۲. احرار اسلام (قانون اساسی دولت اسلامی) |
| ۱۷. اسلام و مسیحیت | ۲۳. دو قطره خون شهادت |
| ۱۸. خدا در قرآن | ۲۴. مسلمان و کنگره |
| ۱۹. جنگ از نظر اسلام | ۲۵. ابوریحان بیرونی و جغرافیه العالم |
| ۲۰. حقیقت فنا و بقا | |
| ۲۱. عدل الهی در قرآن | |

رادیو: جله‌های متعددی نیز منتشر کرده است که تعدادی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- لسان الصدق (ماهنامه)
- الهلال (هفته‌نامه)
- البلاغ (هفته‌نامه)
- پیغام (هفته‌نامه)

و بالاخره یکی از مهم‌ترین و مفصل‌ترین آثار او کتاب ترجمان القرآن در تفسیر و ترجمه قرآن است که به زبان اردو و در چهار جلد منتشر شده است. به دلیل اهمیت موضوع این کتاب و ارتباط آن به مسئله دوالقرنین در واقع بخشی از این کتاب است، در این جا نوشته محققانه دکتر ابوالقاسم رادی را به اختصار می‌آوریم:

ترجمان القرآن: به اردو، اثر مولانا ابوالکلام آزاد (درگذشته به ۱۳۰۱ ق/ ۱۹۵۸ م)، ترجمه‌ای است از قرآن حکیم. این ترجمه کامل نیست، ولی امتزاجاتی دارد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ترجمه مولانا از لحاظ زبانی و ادبی در حد کمال است.
۲. زبان عربی، زبان مادری مولانا بود؛ زیرا والدهاش عرب بود و زادگاه مولانا مکه مکرّمه.
۳. مولانا به زبان عربی که زبان قرآن حکیم است و به زبان اردو که قرآن را به آن

ترجمه کرده، تسلط تام داشت. در تقریر و تحریر به هر دو زبان شاید هیچ مترجمی به بی تکلفی او نباشد.

۴. در ادبیات اردو، مولانا را مقامی مهم است؛ تصنیفات او اعتبار و ارزشی در حد شاهکار دارد.

۵. در نظر متفکران و علمای هندوستان، مولانا یک شخصیت ممتاز است.

با توجه به این نکات به نظر می‌رسد او جزء مترجمان طراز اول است و شیوه بیان و اسلوب تحریرش محتاج تعریف نیست. گفته شده است او در نثر شاعری کرده و قرآن را به زبان دبی ترجمه کرده است. نثر او در تفسیر و بیان سوره فاتحه و بعضی بخش‌های دیگر قرآن از بهترین نمونه‌های نثر اردو به شمار می‌آید. از لحاظ زبانی، ترجمه او از تمامی محاسن و خوبی‌ها برخوردار است. ولی یک نکته در این باره قابل ذکر است، و آن این‌که ترجمه و تفسیر او صرفاً برای طبقه تعلیم یافته است و برخلاف تصور خود او، برای عام قابل فهم نیست. به نظر می‌رسد که آن چنان است که اردودانی که با زبان عربی و فارسی انس داشته باشد می‌تواند از تحریر او محظوظ شود. مولانا آزاد، خود درباره حدّ تفسیر و نوع ترجمه‌اش چنین می‌نویسد:

ترجمان القرآن نه آن قدر مفصل است که هر شخصی برای مطالعه کردنش وقت نداشته باشد و نه آن قدر مختصر که شخص را تشنه بگذارد.

ترجمان القرآن در چهار جلد از سوی ساهیتیة آکادمی^۲ دهلی نیز منتشر شده است. اولین جلد مشتمل بر ۵۰۰ صفحه است (چاپ اول ۱۹۶۴، و چاپ دوم ۱۹۶۶)، و تمام مطالب آن شامل ترجمه و تفسیر سوره فاتحه است. جلد دوم ۸۸۴ صفحه است

۱. ابوالکلام آزاد، ترجمان القرآن، چاپ تعلیم و اشاعت قرآن، ۱۹۷۶، ص ۸. به نقل از: ابوالقاسم رادفر،

«ترجمان القرآن»، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، صص ۷۷۹-۷۸۰.

۲. Sahitya Akademi، فرهنگستان ملی ادبیات هند.

و ترجمه و تفسیر سورة بقره و کل سورة انعام را دربر می‌گیرد (چاپ اول ۱۹۶۶، چاپ دوم ۱۹۷۶). در جلد سوم که ۹۰۲ صفحه است، از اول سورة اعراف تا آخر سورة یوسف ترجمه و تفسیر شده است (چاپ اول ۱۹۶۸). جلد چهارم هم شامل ترجمه سورة رعد تا آخر سورة نور است.

ترجمان القرآن در میان ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن در زبان اردو از اهمیتی ویژه برخوردار است. مولانا آزاد در این کتاب مسائل قرآنی را به‌دقت تشریح کرده و ضروریات عصر و زمان خود را پیش نظر داشته و با ژرف‌نگری تمام تفسیر قرآن را به زبانی تحریر داده آورده است. گذشته از آن، این ترجمه از نظر ادبی هم در ادبیات اردو جایگاهی ویژه دارد.

چنان‌که به‌تفصیل خواهد آمد، مولانا آزاد در تفسیر قرآن به زبان اردو وقتی در سورة کهف به آیات مربوط به ذوالقرنین می‌رسد، به‌دلیل جذابیت موضوع و تازگی یافته‌هایش تصمیم می‌گیرد آن را به زبان عربی و به‌صورت مستقل منتشر کند؛ این نوشته به‌صورت سه مقاله پیوسته در شماره نخست مجله ثقافت‌الهند به چاپ می‌رسد.

چه خوب است مترجمانی که بر زبان اردو تسلط دارند همت کنند و به ترجمه دیگر آثار مولانا آزاد از اردو به فارسی بپردازند تا خوانندگان فارسی‌زبان نیز از اندیشه‌های این متفکر بی‌بهره نمانند.

مولانا آزاد از نگاه دیگران

شخصیت مولانا آزاد مورد توجه بسیاری از مشاهیر بوده است؛ بزرگانی چون گاندی، نهرو و دیگران به‌دلیل شناختی که از او داشتند، احترام خاصی برای او قائل بودند. چنان‌که هریک، بنا بر دیدگاه خود، به تمجید از ویژگی‌های او پرداخته‌اند.

۱. ابوالقاسم رادفر، «ترجمان القرآن»، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۱، صص ۷۷۹-۷۸۰.

مهاثما گاندی درباره او می گوید:

مولانا آزاد از بزرگ ترین متفکرین دنیاست و مطالعه وسیع و ذهن عمیق و فراست بلند دارد. کمتر کسی را دیده ام که در عربی و فارسی مثل مولانا تبحر داشته باشد و این باعث افتخار من است که در مبارزه ملی هندوستان از ۱۹۲۰ میلادی با مولانا رفیق هستم. مولانا از لحاظ تفهیم اسلام نظیر ندارد و عقیده ایشان در وطن پرستی مانده اور قوی است که در دین اسلام.^۱

پانیت جواهر لعل نهرو هم به تمجید از او می گوید:

هر وقت ما را می بینم به یاد مؤلفین دائرةالمعارف فرانسوی که قبل از انقلاب در آنجا بودند می افتم در مشورت امور مهمه دانش و تدبیر و فهم و فراست مولانا فوق العاده قوی و بیرومنه است.^۲

فراموش نکنیم که مولانا آزاد در هیئت لعل نهرو علاوه بر این که وزیر آموزش و پرورش بود، سمت مشاور عالی وی را نیز بر عهده داشت. ویلفرد کنت ول اسمیت، با اشاره به وجاهت آگاه و دانش او، وی را صاحب اندیشه تجددخواهانه می داند:

شاید در هند هیچ یک از مسلمانان در برخورداری از آگاهی، دانش و در مقام روحانیت به پای او نرسد. وی همچنین از زمره بزرگ ترین تجددخواهان اسلام است.^۳

۱. مهاثما گاندی، عدم تشدد در امنیت و جنگ، جلد اول. به نقل از: باستانی پاریزی، کوروش کبیر، مقدمه، ص ۱۵۲.

۲. باستانی پاریزی، کوروش کبیر، مقدمه، صص ۱۵۱-۱۵۲.

۳. ویلفرد کنت ول اسمیت، اسلام نوین در هند، صص ۱۲۷-۱۲۸. به نقل از: هادی عالم زاده، «آزاد، ابوالکلام»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۱۵.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان پس از آن که در توضیح آیات ۸۴ تا ۹۸ سورة کھف خلاصه آراء ابوالکلام را می آورد، می گوید:

این بود خلاصه ای از کلام ابوالکلام، هر چند بعضی اطرافش خالی از اعتراضاتی نیست لکن از هر گفتار دیگری انطباقش با آیات قرآنی روشن تر و قابل قبول تر است.^۱

در باب ترجمان القرآن

همان گونه که پیش از این اشاره کردیم، ترجمان القرآن به زبان اردو نوشته شده است، اما وقتی ابوالکلام در آخر سورة کھف به آیات مربوط به ذوالقرنین می رسد، ظاهراً به دلیل تحقیق نسبتاً عامعی که در این باره انجام داده است، این بخش را به زبان عربی هم می نویسد. تا این بخش نیز به قلم خود اوست و آن را شخص دیگری به عربی برنگردانده است. دیگر این که مولانا ابوالکلام آن بخش را نه به صورت یک کتاب مستقل، بلکه ضمن شش فصل و در سه شماره متوالی از فصل نامه ثقافة الهند (در سه شماره نخست مجله) به چاپ رسانده است:

فصل اول و دوم: شماره ۱، مارس ۱۹۵۰، صص ۶۰-۷۲.

فصل سوم و چهارم: شماره ۲، ژوئن ۱۹۵۰، صص ۸-۸۶.

فصل پنجم و ششم: شماره ۳، سپتامبر ۱۹۵۰، صص ۱۰-۱۱.

نکته مهم دیگر این که عنوان این مقاله ها «شخصیة ذی القرنین المذكور فی القرآن» (شخصیت ذوالقرنین ذکر شده در قرآن) است. بنابراین، استاد باستانی پاریزی

۱. سید محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، صص ۵۳۶-۵۴۱.

هنگام ترجمه شایسته می‌بیند هر سه فصل را کنار هم قرار دهد و به صورت یک کتاب مستقل به چاپ برساند؛ لذا عنوان گویاتری برای کتاب انتخاب می‌کند. از این رو، ما نیز به پیروی از ایشان عنوانی شبیه عنوان منتخب وی برگزیدیم؛ استاد باستانی پاریزی کتاب را *کوروش کبیر (ذوالقرنین)* نام‌گذاری کرد و ما عنوان *کوروش یا ذوالقرنین* قرآن و تورات را بر آن نهادیم؛ زیرا ابوالکلام در مقاله خود به مطالبی هم که در تورات در این خصوص آمده است توجه دارد.

دلایل ترجمه دوباره کتاب

مسلماً یافته ما لانا ابوالکلام آزاد آن قدر اهمیت دارد که با چند ترجمه متفاوت برای علاقه‌مندان عرضه شد. نایب‌النهار، حتی اگر ترجمه استاد باستانی پاریزی یک ترجمه دقیق و تمام‌عیار هم باشد، نارسا و زبانان را از ترجمه‌های دیگری نیاز نمی‌کند.

اما انگیزه ما برای ترجمه مجدد این اثر، که شروع آن به سال ۱۳۹۰ بازمی‌گردد، علاوه بر اهمیت موضوع این کتاب، وجود نارسایی‌هایی است که در ترجمه باستانی پاریزی دیده می‌شود. این نارسایی‌ها البته ناشی از شتاب‌زدگی در ترجمه بوده است. خود استاد در مقدمه کتاب این موضوع را چنین شرح می‌دهد:

حدود چهل سال پیش، من در سال تحصیلی ۱۳۱۹-۱۳۲۰ که در دانشگاه تهران تحصیل می‌کردم به متن عربی مقاله مرحوم ابوالکلام آزاد، در *المجلة الثقافية الهندية* تحت عنوان «شخصیت ذوالقرنین» برخورددم و آن را بس جالب و فواید فراوانی یافتیم. قضای روزگار، همان سال قرار شد مرحوم ابوالکلام آزاد، وزیر فرهنگ هند که از این باز می‌گشت، به تهران بیاید و دولت در فکر تجلیل او بود...

به پیشنهاد سفارت هند، من ظرف دو سه روز آن را ترجمه کردم و با شتاب تمام و با حروف ریز و قطع کوچک در نسخی معدود از طرف سفارت هند چاپ شد.^۱

۱. باستانی پاریزی، کوروش کبیر، مقدمه، صص ۱۰۸-۱۱۰.

هر چند استاد باستانی در چاپ‌های بعدی متن ترجمه را تا حدودی اصلاح کرد و مقدمه مفصلی هم بر آن نوشت و برخی توضیحات و پانوشت‌ها بر آن افزود، ولی همچنان که خود نیز اشاره می‌کند، نارسایی‌های کتاب در مواردی برطرف نشده است:

تمام حواشی که در این کتاب آمده تا پایان کتاب، همه از مترجم است، البته مترجم چهل سال پیش، خوانندگان بر نارسایی توضیحات ببخشایند.^۱

به هر حال، اشکال‌های کتاب در چاپ‌های بعد هم کاملاً رفع نشد. اکنون برای روشن تر شدن موضوع برخی از این اشکال‌ها را که بر ترجمه استاد باستانی وارد است بازگو می‌نمایم:

۱. در تطبیق ترجمه با متن اصلی، به موارد بسیار زیادی (بیش از بیست مورد) بر می‌خوریم که عبارت، جمله یا نگاه یک بند کامل در ترجمه نیامده است. این مهم‌ترین ایرادی است که بر ترجمه استاد باستانی پاریزی وارد است. در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

— متن عربی، ش ۱، ص ۵۰: بند اول ترجمه نشده است.^۲

— متن عربی، ش ۱، ص ۵۲: «مورد ششم» (كان اهلک مؤمناً بالله وبالآخرة)

ترجمه نشده و مورد هفتم، به اشتباه، به جای مورد ششم آمده است.^۳

— متن عربی، ش ۱، ص ۵۳: از سطر ۱۳ عبارت «ولکن الآخرة» بجا نمانده است.

هذه الشخصية قديمة غارقة في القدم» ترجمه نشده است.^۴

۱. باستانی پاریزی، کوروش کبیر، ص ۱۶۹ (پانوشت).

۲. همان، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۳. همان، ص ۱۷۱.

۴. همان، ص ۱۷۳.

- متن عربی، ش ۲، ص ۷۰: سطرهای ۱۱ تا ۱۵ در ترجمه افتاده است.^۱
- متن عربی، ش ۳، ص ۳۳: سطر ۹، عبارت «أرسلته شركة تجارية في لندرة إلى ایران» ترجمه نشده است.^۲
- متن عربی، ش ۳، ص ۳۴: از سطر ۱۲ تا سطر ۱۵ ترجمه نشده است.^۳

۲. ترجمه‌های نادرست و سهل‌انگاری در ترجمه: در متن به مواردی برمی‌خوریم که به نظر ما درست ترجمه نشده است یا بر اثر سهل‌انگاری منجر به نادرستی محتوا شده است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- «نُحار»، «رِلاد»^۴ و «الابواب النحاسية» «دروازه‌های آهنین»^۵ ترجمه شده است؛ حال آن‌که نحاس به معنای مس است، نه فولاد یا آهن.
- متن عربی، ش ۱، ص ۱۰: عبارت «قد لا تكونان عبريتين» به صورت «مسلماً عبری نیست»^۶ ترجمه شده است، حال آن‌که «قد» در این جا پیش از فعل مضارع آمده و معنای تقلیل می‌دهد و ترجمه دقیق آن چنین است: «احتمالاً عبری نیستند».
- متن عربی، ش ۱، ص ۶۲: در عبارت «اتخذت دانياً شكل العقيدة القومية»، به صورت «صورت جهانی به خود گرفته»^۷ ترجمه شده است، حال آن‌که «العقيدة القومية» معادل «باور قومی» است.

۱. همان، ص ۲۲۳.

۲. همان، ص ۲۸۱.

۳. همان، ص ۲۸۲.

۴. همان، ص ۱۷۱.

۵. همان، ص ۱۸۲.

۶. همان، ص ۲۷۱.

۷. همان، ص ۱۸۷.

— متن عربی، ش ۱، ص ۶۱: «یشعياہ الأول»، «یشعياہ دوم» ترجمه شده است.^۱

— متن عربی، ش ۲، ص ۱۸: سرجان ملکم، که در متن عربی به صورت «مالکهم»

آمده است، با [میرزا] ملکم خان، اشتباه گرفته شده است.^۲

— متن عربی، ش ۲، ص ۷۷: «أربعة عشر يوماً»، «چهار روز» ترجمه شده است.^۳

— متن عربی، ش ۳، ص ۳۹: «القرن السادس» قرن نهم ترجمه شده است.^۴

— متن عربی، ش ۳، ص ۲۶: «الصحف الأخرى» به «دیگر صفحات» ترجمه

شده، حال آن که ترجمه درست آن «دیگر صحف» یا «دیگر أسفار» است.^۵

۳. عام دقت دافو، در ضبط نام‌های خاص: چنان که می‌دانیم ممکن است تلفظ یک

نام در یک زبان متفاوت از زبانی دیگر باشد؛ بنابراین، لازم است مترجم به صورت

ضبط شده آن نام را زبان مقصد توجه کند. برای مثال:

— «إشعيا» و «إرميا» بارها به همان شکل عربی‌اش یعنی «یشعياہ» و «یرمياہ» آمده است.

— جیمز موریه^۶ به صورت جیمس^۷ دربر آمده است.^۸

— «ولادی قفقاز» که در متن عربی (ش ۲، ص ۳۲) به شکل «ولادی کیوکز»

نوشته شده و صحیح آن در عربی «فلادی قفقاز» است، در ترجمه فارسی به

همان شکل ولادی کیوکز آمده و اصلاح نشده است.^۹

۱. باستانی پاریزی، کوروش کبیر، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۲۵۹.

۳. همان، ص ۲۳۲.

۴. همان، ص ۲۸۷.

۵. همان، ص ۲۷۲.

6. James Justinian Morier (1780-1849)

۷. همان، ص ۱۹۶.

۸. همان، ص ۲۷۸.

۴. موارد دیگری نیز وجود دارد که نه به شیوه ترجمه بلکه به روش کار مربوط است. یکی از این موارد، خلطِ پانویشت‌های مؤلف و مترجم است، به‌طوری‌که در برخی موارد معلوم نیست که پانویشت افزوده مترجم است یا مؤلف.

همین‌جا یادآوری می‌کنیم که در متن ترجمه پیش‌رو، به‌جز دو سه مورد که مترجمان توضیحی افزوده‌اند و با «-م.» مشخص شده است، تمام پانویشت‌ها از مؤلف است؛ بنابراین، هر موردی را که به توضیح و تعلیق نیاز داشت، در پایان کتاب و در حاشیه «تعلیقات» آوردیم.

یادآوری می‌شود که اصل کتاب نیز خالی از خطاهای سهوی نیست. تعدادی از این خطاها خبای مذمت است و برخی دیگر اشتباه چاپی است. برای مثال:

- حمزة اصفهانی، با سبب سه‌گانه شکل ابوحمزة اصفهانی آمده است.
- ابوعلی بلخی، که نام او در تصویر دقیق شاعر را منظور کرده است، بنا بر قول ابوالفضل خطیبی، شخصی تیر از دقیقی است.
- «وهومنا» (یا بهمن، یکی از امثال سپیدان) در متن عربی «وهوفنا» آمده است.^۱

اشتباهات دیگری نیز از این دست وجود دارد که در تعلیقات به آن‌ها اشاره شده است. با وجود این، بر هیچ‌کس پوشیده نیست که ترجمه استاد باستانی پاریزی ویژگی‌های ممتازی دارد که از جمله می‌توان به نثر شیوا و روان، بیش از اشاره کرد. البته ما نیز در ترجمه حاضر کوشیده‌ایم، در عین امانت‌داری، متنی تیرا و روان به دست دهیم که امید است از عهده آن برآمده باشیم.

درباره تعلیقات این کتاب نیز یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد؛

۱. ابوالکلام آزاد، متن عربی مقاله شماره ۲، ص ۶۰.
 ۲. ابوالفضل خطیبی، «ابوعلی بلخی»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، صص ۳۲-۳۳.
 ۳. ابوالکلام آزاد، متن عربی مقاله شماره ۳، ص ۱۷.

اول این که هدف ما از آوردن این بخش، نه به دست دادن اطلاعات دقیق، جامع و مفصل، بلکه در وهله نخست آوردن توضیحاتی کلی و اجمالی درباره اشخاصی است که نامشان در متن کتاب آمده است؛ توضیحاتی که خواننده را از مراجعه به منابع مرجع بی نیاز می کند. در این بخش برای اجتناب از کسالت بارشدن مطالعه، از مستند ساختن مطالب، جز در موارد معدود، پرهیز کرده ایم.

دوم این که در بخش تعلیقات، علاوه بر فرهنگ هایی چون فرهنگ معین و لغت نامه دهخدا، بنا بر مقتضای موضوع، از کتاب های زیر نیز استفاده شده است:

- قاموس کتاب مقدس، ترجمه و تألیف مستر هاگس.
- دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی، زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی.
- الأعلام، تألیف، خیر الدین زرکلی.
- دائرة المعارف العربیة، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی.

همچنین در یکی دو مورد از منابع دیگر استفاده شده که در ذیل همان تعلیق مشخص کرده ایم. از نرم افزارهای الکترونیکی نیز بسیار استفاده شده است که مهم ترین آن ها عبارت اند از: تاریخ ایران ۱۰۶۰، نور السیره ۲، و جغرافیای جهان اسلام ۳، که هر سه را مرکز تحقیقات علوم اسلامی (نونا) منتشر کرده است.

دیگر این که واژه هایی که نیاز به توضیح داشتند با ستاره (*) مشخص شده اند. کافی است خواننده گرامی با توجه به شماره صفحه ای که واژه در آن آمده است، توضیح واژه مورد نظر را در بخش تعلیقات پیدا کند.

از آن جا که گاهی یک اسم علم (مانند ایشیا و ارمیا)، در صفحه های مختلف تکرار شده است در بخش تعلیقات فقط شماره صفحه ای ذکر شده که آن نام برای نخستین بار در آن آمده است. بنابراین، برای یافتن توضیحات مربوط به چنین مواردی، فهرست اعلام کتاب می تواند بسیار سودمند افتد. بدین ترتیب که خواننده

محترم با مراجعه به آن می‌تواند صفحه مورد نظر را پیدا کند و به تعلیقات همان صفحه مراجعه کند.

پایان سخن این‌که مترجمان، در نهایت وسواس، تمام توان خود را به کار گرفته‌اند تا آنچه شایسته این کهن‌دیار عزیز است در قالب یک اثر علمی مقبول، پیشکش خوانندگان گرامی کنند.

مسلم زمانی و علی اصغر قهرمانی مقبل

www.ketab.ir